

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احق ما اخذتم عليه اجرا كتاب الله (الهدى)  
سزاوار ترخیر یکہ بہ آسن اجر بگیرید کتاب خداست (صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۱۴)

# اجره گرفتن بہ امور دینی

## جائز است

تصنیف

مُحَمَّدُ زَرَّوَلِيُّ خَانَ عَفَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ

مؤسس و رئیس الجامعۃ العربیۃ احسن العلوم و خادم الحدیث و الافتاء  
بما و الخطیب بالمجد الجامع الاحسن منطقه جلش اقبال رقم ۲ کرانشی پاکستان

مترجم

مخدوم عبد الملک "لبیب" بغلانی متعلم جامعہ عربیہ احسن العلوم

شائع کردہ

شعبہ نشر و اشاعت

احسن المکتبات بالجامعۃ العربیۃ احسن العلوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ط

الحمد لله كفى وسلاماً على عباده الذين اصطفى اما بعد اخذ اند  
بزرگ روح، برای هدایت مخلوق دین اسلام را منتخب فرموده است  
« ان الدین عند اللہ الاسلام - پارہ ۳، سورہ آل عمران آیت ۱۹۰ -  
برای پذیرفتن و دانستن دین نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم را -  
مبعوث گردانیده و تمام کائنات را در پیروی آن به پای بندی -  
دستور داده است » و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع  
باذن اللہ، پارہ ۵ سورہ نساء آیت ۶۴ - به آن حضرت علیه -  
الصلوات والتسلیمات قرآن کریم را لائحہ عمل دارد و بخاطر دانستن  
و عمل کردن درست بر آن زندگی پیغمبر ص، را واجب الاطاعت  
ساخته است » و کیف تکفرون و انتم تتلى علیکم آیات اللہ  
و نیکم رسولہ، پارہ ۴ سورہ آل عمران آیت ۱۰۱ -

کتاب خدای تعالی و سنت رسول او اهل دین بوده لیکن

(۳)

اللہ رب العالمین توفیق دانش و پیشبرد این دین را نخست  
با صحابه رضی عنہم عطا فرموده است، و جماعه ای که این تلاش  
کسی صحابه رضی عنہم را با مسائل و احکام ترقیب داده اند فقہاء  
کرام اند و حضراتی که احادیث رسول ص،، آثار صحابه رضی  
و تابعین را حفظ داشته اند محدثین گفته میشوند،

برای سائلین تا قیامت ضروری قرار داده شده است که  
بزرگان امت را احترام کرده از فقہاء که بحکم قرآن در مسائل  
و احکام اولوالامر اند و محدثین که ناقلان حدیث و راویان -  
اسلام اند پیروی کنند - تاریخ چهارده صد سالہ اسلام گواہ است  
که در محافظہ ایمان و اسلام و تعالی آن در میان مردم به این شہسواران  
قرآن و حدیث اعتماد بوده است - لذا دین در دنیا تا بان بپورده  
مگر مردم بر نصیب قسمیکه در زمانہ پیغمبر ص، از قدر منزلت صحابه رضی  
منکر شده برای همیشه منافقین قرار داده شدند، هم چنین در زمانہ  
بود مردمیکه بر جماع فقہاء، اعتماد نداشتند و خبرات حدیثی محدثین شک داشتند

زائین مختلف و فرقه‌ای باطلشان در وجود آمده است این مردم  
 به الفاظ صحیح انکار قرآن و حدیث را کرده نتوانسته‌اند  
 چرا که ازین روی در رفتار کافران ایشان سستی واقع میگردد مگر  
 تقلید متبوعین همچو ائمه اربعه را مستصدام قرآن و سنت گفته و یا از  
 شبهات بیهوده و خود ساخته ایشان تودین حدیث مدعیین را در کرده‌اند  
 مابکلی همین طور در زمان حاضر فتنه‌ی فرقه‌ی مختلعی بوجود آمده  
 که بعضی آنها علماء کرام را که در هر دور و زمانه حفاظت اسلام اول  
 دسته و در اعتماد دین سرباز عظیم اند اعتماد مردم را در دست می‌کنند  
 زیرا تا وقتی که اعتماد به علماء دین باقی بوده و مردم به نگاه نفرت بی  
 ایشان نه بینند هیچ فرقه و فتنه‌ای بر نظریات ناروا و خیالات  
 بیهوده خود کامیابی حاصل کرده نمیتواند.

چنانچه غلام احمد قاریانی این را به تماشای داشت که عقیده  
 علماء کرام به حیات عیسی <sup>ع</sup>، خلاف قرآن و سنت است با وجودیکه  
 در هر دور و زمانه بر این عقیده اجماع بوده و برای ثبوت آن آیات

آیات مستدره قرآن و احادیث صحیحیه موجود است نگاه کنید عقیده الا-  
 سلام. "التصريح" وغيره و بر این قیاس غلام احمد پروریز کوشش کرده.  
 است که مردم را به این باور برآورد که احادیث مستصدام قرآن است  
 و همین قسم عنایت الله شریقی غرض بالا بالا کردن فتنه انکار حدیث  
 و نشر آن دست به حمله‌ی ناروا علیه علماء کرام زده ساله مولوی کا  
 غلط مذہب "یعنی مذہب نارست مولوی و بنام کسی دیگر سوال نوشته  
 است - به ویژه در حال حاضر یک فرق غرض افعال ثواب به آباد و اجداد  
 روحانی خود و شتهر ساختن پیام اقتنان آنها این پروپاگاندرا شروع  
 کرده که به امور دینی چون تدریس، امامت، اذان و غیره عوصف  
 گرفتن می‌گذارد چرام و ناجائز بوده علماء ترکیب این کارهای حرام اند  
 مطلب این بود که تا وقتی که اعتماد مطلوب بر علماء برقرار باشد عوام در سلام  
 عقیده غلط ما بطرف این هاجرجوع کرده و بعد از رهنمایی این علماء نظیر  
 و عمل ما پیشرفت نخواهد توانست کرد لهذا ازین ستون‌های دین اعتماد مطلوب  
 را دور کرده خود اینها را بی دین گفته شود تا که پنج و یازده فیصد هم از پرورندگان  
 ما متاثر گردیده اعتماد خود را بر اینها خاتمه بخشیده و کار نظریات ما را تزلزل شد

۴۲  
 چهین گونه بر اینها زیاده مشکل بود که در میان مسلمین که در میان مسلمین این  
 را بیشتر برسانند که نماز را با جماعت نخوانند، اذان را احترام نکرده و  
 را العلوم و جامعات و مدرس کما دینی نوانند زیرا درین گفتارشان  
 شاید هیچ کس نکوت موافق نمیداد لهذا راه دیگری را اختیار کرده  
 که بر این تعلیم، تدبیر و امامت و تادین که عموماً بخاطر ضروریات بیشتر مسلمانان  
 داده و گرفته می شود عسکرها را حرام خوردنی دین گفته اند تا خود بخورد عسکرها  
 از آن دور گردیده، جماعت متروک، احترام اذان شده «العیاذ باللّٰه»  
 مساجد و به ویرانی نهاد، مدارس و جامعات از اعتماد افتید برای فتنه  
 و فرقه های بزرگ بزرگ ماحول سازگار خواهد گشت.  
 «یریدون لیطفنوا نور اللّٰه بافوا هم واللّٰه متم نوره و  
 لوكرة الكافرون» پاره ۱۸ س الصف آیه ۲۸. در سال ۱۳۸۰  
 خواستار ثمره این سخن هستیم که بر امور دینی مثلاً تعلیم، امامت،  
 اذان و غیره بطور ضرورت معاوضه تا کجا جایز است و چگونه  
 میان علماء متقدمین و متاخرین احناف زیر بحث است آن را  
 مطالع خود قرار نمی دهیم علماء کرام مقدم را درین سلسله قبول فرمایند

۴۱  
 برای کفایت این، امهات فقه و تفسیر و حدیث، این کائنات  
 عظیم الحمد للّٰه با تائید تام وجود دارد من در زمان حال مشین کردن جواز  
 اجرت را بر امور دینی در پرتو قرآن و سنت و دیگر آیه دین میخوانم تا که  
 عامه مسلمین از سیج تاب شیطانی این فرقه های باطله که برخلاف ائمه و  
 علماء زهر خورانی شروع کرده اند محفوظ بمانند.

تعدادی از مردم به این باور شده که آیه دلالتش و آیاتی ثنما  
 قلیلاً و آیات فالتقون» پاره ۱ سوره بقره آیه ۴۱ متعلق چنین  
 مواقع است و از ترجمه این حرمت اجرت گرفتن تعلیم دین، امامت  
 ، اذان و غیره را ثابت می کنند در حدیثی که آیت را به این مسئله تعلق  
 نیست. مطابق اصول تفسیر مقدم از چه تفسیر آیه بالا است و از شاد حق سبحان  
 هم است که «ولایا تونک بمثل الا جنتک بالحق و احسن تفسیر» پاره ۱۹  
 سوره فرقان آیه ۲۳، دینی آورند پیش تو کدام پیچیدگی را مگر که بتو می آید  
 یم سر او تر و دیگر تفسیر کرده. منسوخ از حدیث «القرآن یفسر بعصبه لغضا  
 هم این در جرد بلند تفسیر را مستفاد فرموده اند قسمیکه در مقدمات تفسیر  
 مستبره موجود است ملاحظه شود «تیمه البیان»، «تفان» و غیره لهذا.

(۸۰)  
 تفسیر آیه « ولا تشتروا آه » هم در قرآن موجود است « فویلک  
 للذین یکتبون الکتاب بایدیم تم یقولون هذا من عند  
 الله لیشتروا به ثمنا قليلا » پاره ۱۱، سوره بقره آیه ۷۹  
 ترجمه: پس تباهیست برای کسانی که با دست های خود کتاب نوشته کرده  
 میگویند که این از طرف خداوند (۹۰) است تا که بگویند این متاع اندکی را  
 آشکارا شد که تعلق آیت به تنخواه در تعلیم دین، امامت و وزن بودن  
 هرگز نیست بلکه مرد میکر مسائل غلط را نوشته و آن را حمودین گفته  
 اند و عید شد آیت متوجه آنها است چنانچه منسب مشهور زمانه  
 علامه آلوسی بغدادی در تفسیر این آیت نوشته است « وقد صح -  
 انهم قالوا یا رسول الله اناخذ علی التعلیم اجرا فقال ان خیر  
 ما اخذتم علیه اجرا کتاب الله تعالی » و قد تظافرت اقوال  
 العلماء علی جواز ذالک روح المعانی پاره ۲ ص ۲۴۵ - و در حدیث  
 صحیح آمده است که صحابه رضوان حضرت صلی الله علیه وسلم پرسیدند  
 که آیا بر تعلیم اجرت گرفته میتوانیم؟ جناب فرمودند بهترین اجرت

آن است که بر شما در تعلیم کتاب الله برسد و اقوال بی شمار علماء در جواز  
 این موجود است علامه آلوسی در علاوه کرده است که آنها یکدیگر ناجاز  
 بودن تنخواه را بر تعلیم از آیت استنباط کرده غلط فتره اند -

ولا دلیل فی الآیة علی ما ادعاه هذا الذاهب کما لا یخفی و  
 المسئلة مبینه فی الفروع پاره ۱ ص ۲۴۵ - بعضی مردم  
 از آیه « قل لا اسئلكم علیه اجرا ان جهرا لا ذکر للعلمین » پاره ۷،  
 سوره انعام آیه ۹۰، به حواله مدارک پادشاه رفتن را تعلیم قرآن و حدیث تا  
 جائز نوشته اند مگر این است تفسیر نموده و آنچه مطابق قواعد تفسیر  
 کرده شده است قابل توجه است ..

علامه آلوسی بغدادی نوشته است « واستدل بالآیة  
 علی انه یجوز اخذ الاجر للتعلیم و تبلیغ الاحکام و فیه کلام للفقهاء  
 علی طوله مشهور غنی عن البیان ج ۷ ص ۲۱۸ ازین آیت  
 مزدر رفتن بر تعلیم و تبلیغ احکام ثابت شده است بعضی از مردم این  
 را هم نوشته اند که امام بخاری « در صحیح خود اجرت رفتن بر آن را

گناه فرموده و باب قائم کرده است «باب من رایا بقرا-  
 ءة القرآن اذ تاکل به فجزیه» بخاری ج ۲ ص ۷۵۹ مگر  
 هویدا باشد که امام بخاری 'ج' درین باب حدیثی ذکر نکرده است که در آن  
 حرمت تنخواہ معلوم شود بلکه بعد ازین در کتاب النکاح از طرق متواتره  
 حدیث صحیح مرفوع و سند نقل کرده است که به صحابی تنگدست کرد در-  
 خط او چند سوره قرآن را عوض مهر قرار داده نکاح بست-  
 است - دیده شود بخاری ج ۲ ص ۷۶۲، ۷۵۹، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۷۷۱، ۷۷۴. بلکه این باب  
 امام بخاری ج (باب التزوج علی القرآن و بغیر صدق) ج ۲  
 ص ۷۷۳ برای باز کردن چشم اینها کافیست.  
 و برخی دیگری روایاتی پیش کرده و از آنها عدم جواز اجرت  
 را فهمیده اند - مگر علی التعمیق هر این قسم روایات ضعیف اند  
 علامه آلوسی ج نوشته است «وروی فی ذلک ایضا احادیث  
 لاتصح جلد ۲ ص ۲۴۵ - در صحیح البخاری بسنن ابی داود و دیگر

صحیح سسته واقعه حضرت عمر بن سلمه فرموده است که او را در زمان  
 پیغمبر صلعم، قوم اش را امام انتخاب کرده و بخاطر ضرورت چند جمع را-  
 شته در برای او کالا اختیاری دادند. ابوداؤد ج ۱ ص ۸۹ بخاری جلد دوم  
 ص ۹۱۶. ازین برداشت میشود که در عهد مبارک پیغمبر ص هم بر امام-  
 مت و غیره کفالت ضروریات بشری رایج بوده و این را جائز و عبادت  
 دانسته کرده می شد.  
 همین گونه در صحیح البخاری و کتب دیگر از ابی سعید خدری روایاتی  
 صحابی پیغمبر ص، گرفتن گل مز که شتمل (۳۰) سی عدد دلبوده بر خواندن  
 سوره فاتحه - و قرار بعض روایات از سی زیاد تر ثابت است  
 اصحاب رضوان شهر تنای علیهم بر او اعتراف کردند که در باره قرآن مال گرفته  
 است لیکن ارشاد کرد حضرت ص، که «احق ما اخذتم علیه اجراً -  
 کتاب اللہ» یعنی سزاوارتر چیزی بیکه شما بر آن نژد نگیرید کتاب خدا  
 است و غرض تستی خاطر فرمود - اعمت یعنی بسیار خوب کرده بد -  
 اقسما و امانت لوالی معکم سهما» یعنی تقسیم کرده بین هم سهمی و سعید  
 بخاری ج ۱ ص ۳۱۴ - این سخن در جایش که کار ابی سعید فرموده -

www.ahnafmedia.com

بود یا علاج یا وجه دیگر لیکن ارشاد حضرت صریح است در جواز -  
 اخذ اجرت بقرآن - لذا حافظ بن حجر در فتح مبرورید - «استدل  
 به للجمله و فی جواز اخذ الاجرة علی تعلیم القرآن» فتح -  
 الباری ج ۴ ص ۵۳۰، یعنی جمهور که با اجرت تعلیم قرآن قائل اند  
 برای آنها ازین حدیث استدلال کرده و خود را امام بخاری  
 از سلف صالحین تقریباً اجماع را نقل کرده است که آنها به جواز ا-  
 جرت قائل بوده اند.

وقال المحکم "لم اسمع احداً کره اجراً للمعلم" بخاری  
 ج ۱ ص ۳۰۴ یعنی حضرت حکم می فرماید که شنیده ام کسی را که  
 تنخواه تعلیم داده گرا نا جائز بداند. همین گونه امام شعبی ج ۱  
 فرمودند که چیزی برای معلم داده شود بدون شرط آن را او پذیرد. حضرت  
 حسن بصری و امام ابن سیرین رحمهما اللہ هم بر جواز قائل بوده اند  
 بخاری ج ۱ ص ۳۰۴ در خود خیر القودان بعض حصه مال فی غنیمت  
 بعد از آن حضرت ص، پستما، ائمه کرام و مؤذنین که به آن ضرورتی  
 هم نموده تنخواه داده میشده است تفسیر روح المعانی پ ۲۸ ص ۲۸

با در نظر داشت اصول امام ابی حنیفه (ج)، علماء متأخرین فتوی  
 جواز اجرت را بر تعلیم، امامت، موزنی و غیره داده اند برای این  
 کتب معتبره مندرجه ذیل را مطالعه شود (۱) هدیة ج ۳ ص ۳۰۳  
 وبعض مشائخنا استحسنوا الاستیجار علی تعلیم القرآن -  
 الیوم لانه ظہر التوافق للامور الدینیة ففی الاکتفاء یضیح حوط  
 القرآن وعلیه الفتوی (۲) فتح القدر ج ۸ ص ۴۰، ۴۱-۴۰  
 بمسوط سخی ج ۱۹ ص ۳۷، ۴۰، کفایة ج ۸ ص ۴۰، ۴۱-۴۰  
 البحر الرائق ج ۸ ص ۱۹-۱۹، قاضی خان علی الحدید ج ۲ ص  
 ۳۳۵، عالمگیری ج ۲ ص ۴۲۸، شرح مجله رستم باز ص ۳۳  
 رسائل ابن عابدین ج ۱ ص ۱۹۰، ۱۹۱ (۱۰) فتاوی شام در المختار ج ۲  
 صفحہ ۵۵ - فتح الباری ج ۴ ص ۵۳۰ المنہل العذب المورود ج ۳ -  
 ص ۲۰۸ تا ۲۱۰ - ۱۳۳، بنایہ شرح هدیة ج ۲ ص ۹۴۲-۱۳۵، فیض الباری  
 ج ۳ ص ۲۷۶، ۲۷۷ -

بعض مردم از مولانا محمد طاهر پنجپیری درباره بزرگان و -  
 اساتذہ اش جلاتی پر تشددی نقل کرده اند که این کلام تروی

یا تحقیقی مقاله نبوده بلکه رد عمل است قسمیکه از «ضیاء النور» واضح است - چنانچه درین باره فیصله قطعی و حتمی فقیه صالح محدث کبیر حضرت مولانا سید محمد یوسف بنوری رح را ملاحظه فرمایید «اما علی المختار للفتوی فی زماننا فیحوز اخذ الاجر للامام والمورد والمعلم والمفتی كما هو حوا به فی کتاب الاجارات ج ۲ ص ۷۴ معارف السنن من البحر الرائق - اقول ولكن الطیلس عام - فیمكن ان یعم حکم فی کل ما ظهر فیه التوانی وعدم العناة اللائقة لبثانه والله اعلم» (ج ۲ ص ۲۴۱) معارف السنن

از کتب معتبره و بالا حدیث، فقه، تفسیر و شروح معتبره واضح شد که در زمانه بحال به امور دینی تنخواه گرفتن شرعاً جائز و درست است پس مردیکه بخلاف این میگویند خالص کار خناس را انجام میدهند که در دلهای مسلمانان ساوس پیدا کنند - لذا در سوره های آخری قرآن کریم از شتر انقیاس مردم است مسلم را به پناه خواستن - دستور داده است چه که این فتنه آخر زمان بود که کار آن سببند

نقصان به احترام دین است حق تعالی شان از کسیمه و -  
 و سوره های اهل باطل حفاظت عطا فرماید آمین ثم آمین  
 سبحانک اللهم وبحمدک نشهد ان لا اله الا انت نستغفرک بتوبت  
 الیک - برحمتک یا ارحم الراحمین - و حدیث علی خیر خلقه محمد و آل محمد  
 - ترجمه در راه کسب نبله و تصحیح ماه قوس ۱۳۶۶ هجری -  
 - مطابق ۲۲ رمضان المبارک ۱۴۲۱ ق -  
 - اللهم اغفر المولف و المترجم و القارئ و السامع و الخادم و المحب -

www.ahnafmedia.com